



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه ریحانه

شهرستان اصفهان

مقاله

عنوان: جنبش علمی و مکتب جعفری

تهیه و تنظیم:

منصوره شفیعی

آدرس مدرسه:

اصفهان، بلوار کشاورز، خیابان شهید مفتاح، جنب شهرداری منطقه ۱۳

شماره تلفن مدرسه:

۷۷۵۱۳۷۱

پاییز ۹۲



بیاض علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خراسان (گولستان)

امام صادق (ع) مرد بیدارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مکتوبات بود.

مقام معظم رهبری

بیاض علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



عنوان مقاله: جنبش علمی و مکتب جعفری

منصوره شفیعی*

چکیده:

شرایط ویژه فرهنگی عصر امام صادق

از نظر فکری و فرهنگی، عصر امام صادق (ع) عصر جنبش فکری و فرهنگی بود. در آن زمان شور و شوق علمی بی سابقه‌یی در جامعه‌ی اسلامی به وجود آمد و علوم مختلف، اعم از علوم اسلامی همچون: علم قرائت قرآن، تفسیر، حدیث، فقه، کلام و علوم بشری همچون: طب، فلسفه، ریاضیات و غیره رونق یافت و هر کس که متاع فکری داشت به بازار علم و دانش عرضه می‌کرد. بنابراین تشنگی علمی عجیبی به وجود آمده بود و لازم می‌نمود که امام (ع) بدان پاسخ گوید. عواملی که موجب پیدایش این جنبش علمی شده بود به این ترتیب است: - آزادی و حریت فکر و عقیده در اسلام. - محیط آن روز اسلام، محیطی کاملاً مذهبی بود و مردم تحت تأثیر انگیزه‌های مذهبی قرار داشتند. - اقوام و مللی که اسلام را پذیرفتند، نوعاً دارای سابقه‌ی فکری و علمی بودند. - تسامح دینی یا همزیستی مسالمت‌آمیز با غیر مسلمانان مخصوصاً همزیستی با اهل کتاب. مسلمانان اهل کتاب را تحمل می‌کردند و این را برخلاف اصول دینی خود نمی‌دانستند. در آن زمان اهل کتاب، مردمی دانشمند و با اطلاع بودند. مسلمانان با آنان برخورد‌های علمی داشتند و این، خود بحث و بررسی و مناظره را به دنبال داشت (شهید مطهری، سیره‌ی پیشوایان به نقل از، سیری در سیره ائمه‌ی اطهار). مکتبی که هم اکنون در اختیار است، علمی که در جامعه‌ی امروز وجود دارد، دانشگاه‌های موجود و فن آوری‌هایی که در اختیار بشر است و بشر به واسطه‌ی آن زندگی خود را می‌چرخاند همه مدیون جنبش علمی امام صادق (ع) و مکتبی است که ایشان با تلاش و طراحی برنامه‌ی صحیح پایه‌گذاری کردند. کلید واژگان: امام صادق (ع)، جنبش علمی، مکتب جعفری، دانشگاه امام صادق (ع).

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد بیداره بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری



*طلبه ی سال دوم، مدرسه ریحانه

فهرست:

- ۱..... مقدمه
- ۳..... ۱- شخصیت علمی امام صادق (ع).....
- ۴..... ۱-۱- علم حضرت صادق (ع).....
- ۴..... ۱-۲- عظمت علمی امام صادق (ع).....
- ۵..... ۲- جنبش علمی.....
- ۶..... ۱-۲- عناصر رستگاری جنبش.....
- ۶..... ۱-۱- ۱-۱-۱- تجمع متفکرین در مدینه.....
- ۷..... ۳- مکتب جعفری.....
- ۹..... ۳-۱- اساس مکتب جعفری.....
- ۹..... ۳-۲- مذهب جعفری.....
- ۱۰..... ۳-۳- انتشار مذهب جعفری در جهان.....
- ۱۱..... ۴- دانشگاه بزرگ جعفری.....
- ۱۲..... ۴-۱- وسعت دانشگاه امام صادق (ع).....
- ۱۳..... ۴-۲- طریقه ی تدریس امام صادق (ع).....
- ۱۵..... ۴-۳- شاگردان و دانشجویان مدرسه ی جعفری.....
- ۱۶..... ۴-۴- علوم تدریس شده در مکتب جعفری.....
- ۱۷..... ۴-۴-۱- علوم آیات الهی و علم افلاک.....



مقدمه:

یک مکتب جامع و فراگیر و فرا زمانی می‌بایست به گونه‌ای دارای انعطاف باشد که در هر شرایط نیازهای جوامع انسانی را برآورده سازد. نیازهای انسانی دو دسته پایدار و ناپایدار هستند، با توجه به شرایط زمانی و مکانی دگرگون و پاسخ‌های متنوع و مختلفی را می‌طلبند.

تنها مکتب و ایدئولوژی می‌تواند پایدار و پا برجا بماند که گرفتار روزمرگی و زمان زدگی نشده و به گونه‌ای نگرش، آموزه‌ها و راهبردهای فرا زمانی و فرا مکانی داشته که گرفتار بندهای هزار لایه زمان و مکان نگردد. این مکتب تنها ویژگی پایداری را با خود به همراه خواهد داشت و در طول تاریخ بشری می‌تواند همگام یا پیشرو با او حرکت نموده و انسان‌ها را از آموزه‌ها و گزاره‌های خود بهره‌مند سازد. بی‌گمان گردهمایی پایداری و ناپایداری تنها از عهده‌ی مکتبی برمی‌آید که بر پایه‌ی فطرت انسانی و با شناخت کامل و جامع از ویژگی‌های انسان و جامعه گزاره‌ها و آموزه‌های خود را ارائه دهد.

اسلام با دارا بودن دو ویژگی انعطاف و شناخت کامل و جامع، میان ناپایداری شرایط و ناپایداری از سوی، و پایداری آموزه‌ها، و گزاره‌هایش از سوی دیگر این امکان را برای بشر فراهم آورده است تا بتواند، در شرایط ناپایدار و ناپایستا با قوانین، آموزه‌ها و گزاره‌های پایدار او را به سوی مقصود و هدف نهایی‌اش رهنمون سازد؛ به این معنا که اسلام به عنوان یک مکتب که برای راهنمایی و رساندن انسان به کمال و پاسخگویی به همه‌ی نیازهای او دارای چنان توانایی و کشش می‌باشد که بتواند به این نیازها پاسخ‌های مناسب و راستین ارائه دهد؛ و مناسبات زمانی، مکانی و بالندگی جامعه و انسان را در نظر بگیرد و گرفتار بندهای ایستایی نگردد و پویایی و پایداری را در همان حال در خود گرد آورد. این پویایی و پایداری در و نمایه‌ای می‌تواند بر زمان و مکان، ناپایداری‌ها و ناپایداری‌های هر زمان و مکان چیره گردد و هرگز در پاسخ دهی وانماند و همه‌ی شرایط را برتابد.

جاودانگی اسلام به عنوان یک مکتب فرا بشری که آموزه‌ها و گزاره‌هایش تا قیامت پایدار و دستورکار بشر برای رسیدن به خوشبختی دو جهانی است، تنها از این رو است که پویایی و پایداری را در خود آمیخته دارد و در ادامه مساله‌ی وصایت و امامت تا پایان هستی این جهان نیز تنها از همین جا توجیه پذیر خواهد بود.

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام مطهر رهبری

امام صادق (ع) مرد بزرگ بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

شهید مطهری در این باره می‌فرماید: ائمه اطهار علیهم السلام در هر زمانی مصلحت اسلام و مسلمین را در نظر می‌گرفتند و چون دوره‌ها و زمان‌ها و مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کرد، خواه و ناخواه همان طور رفتار می‌کردند که مصالح اسلامی اقتضا می‌کرد و در هر زمان جبهه‌ای مخصوص و شکلی نو از جهاد به وجود می‌آمد و آن‌ها با بصیرت کامل آن جبهه‌ها را تشخیص می‌دادند. آنچه در مکتب جعفری بررسی

(۱)

می‌شود علم امام صادق (ع)، جنبش علمی ایشان، دانشگاه آن بزرگوار و شاگردان

آن حضرت و علوم تدریس شده در آن دانشگاه می‌باشد و اینکه چگونه این مکتب و جنبش علمی شکل گرفت؟ این است که: امام صادق (ع) با علم و درایت خویش و با برنامه ریزی صحیح این مکتب را راه اندازی کردند و حال این مقاله با روش کتابخانه‌ای تهیه شده و قصد دارد اطلاعاتی از این مکتب را ارائه دهد.

در کتاب‌هایی چون تاریخ چهارده معصوم (ع)، زندگانی معلم کبیر (امام صادق)، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما در مورد شخصیت علمی امام صادق (ع)، جنبش علمی امام و عناصر رستگاری جنبش و علومی که در دانشگاه امام تدریس می‌شد اطلاعاتی گردآوری شده است که به طور اجمالی در صفحات بعدی بررسی خواهد شد.



(۲)

شخصیت علمی امام صادق

درباره‌ی شخصیت علمی امام صادق علیه‌السلام شواهد فراوانی وجود دارد. به نظر شیعه، نصب ایشان به مقام امامت از جانب خداوند متعال بوده و این بدان معناست که آن حضرت دارای شرایط لازم برای احراز این منصب بوده‌اند. امام علیه‌السلام در میان اهل سنت از نظر روایت حدیث، فقهات و افتا از موقعیت شامخی برخوردارند. مالک بن انس از جمله کسانی است که مدتی در محضر امام صادق علیه‌السلام شاگردی کرده و درباره‌ی شخصیت علمی و اخلاقی آن حضرت حرف‌ها دارد. از جمله اینکه می‌گوید:

مدتی خدمت جعفر بن محمد علیه‌السلام مشرف می‌شدم. آن حضرت اهل مزاح بود و همواره تبسم ملایمی بر لب داشت. هنگامی که در محضر ایشان نامی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به میان می‌آمد، رنگش به سبزی و سپس به زردی می‌گرایید.

در مدتی که به خانه‌ی آن جناب رفت و آمد داشتم، او را خارج از سه حال ندیدم: یا نماز می‌خواند یا روزه بود یا به قرائت قرآن اشتغال داشت. هرگز بدون وضو از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حدیث نقل نمی‌کردند و سخن گزافی نمی‌گفتند. ایشان از آن دسته علمای زاهدی است که ترس از خدا سراسر وجودش را فرا گرفته بود. هرگز به خدمت وی شرفیاب نشدم، جز آنکه زیراندازش را از زیر پای خود برداشته و زیر پای من می‌گذاشت (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه به نقل از مناقب، ص ۴۱).
(مولوی نیا، ۱۳۸۵)

ابن حجر هیتمی می‌نویسد:

به قدری علوم از او نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه‌ی آن همه جا پخش شده است و بزرگترین پیشوایان فقه و حدیث همچون یحیی بن سعید، ابن جریج، مالک، سفیان ثوری، ابوحنیفه و ایوب سجستانی از وی نقل روایت کرده‌اند (الصواعق المحرقة، ص ۲۰۱).

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

ابوموسی جابر بن حیان طرطوسی شاگرد او بود. جابر کتابی شامل هزار ورق تألیف کرد که تعلیمات امام جعفر صادق علیه السلام را دربر داشت و حاوی پانصد رساله بود (وفیات الاعیان، جلد ۱، ص ۳۲۷، به نقل از سیره ی پیشوایان).

ابوزهره، عالم سنی در این باره می نویسد:

«دانش آن حضرت منحصر به حدیث و فقه اسلامی نبود، بلکه علم کلام هم تدریس می نمود.»

شمار روایانی که از امام علیه السلام نقل حدیث کرده اند، بسیار زیاد است و در میان آنان، بسیاری از شخصیت های مهم اهل سنت قرار دارند.

(۳)

علم حضرت صادق

راجع به علم امام صادق از زبان ایشان چند جمله نقل می کنیم:

۱ - علاء بن سبابه می گوید، امام صادق فرمودند: «من آگاهم از آنچه در آسمانها و زمین است و آنچه در بهشت و جهنم است، و من آگاهم به گذشته و به آینده تا روز قیامت. سپس ادامه دادند: این علم را از قرآن می دانم، به قرآن تسلط دارم، چون تسلط بر کف دستم. خداوند متعال در قرآن فرموده است که: قرآن بیان کننده ی همه چیز است.» (ابن شهر آشوب، جلد ۴، ص ۲۴۹).

۲ - بکیر بن اعین می گوید: «امام صادق فرمودند: من آگاهم به آنچه در آسمانها و زمین است و آنچه در دنیا و آخرت است»

چون دیدند که این کلام پیش بعضی سنگین آمد، فرمودند: بکیر! من این علم را از قرآن می دانم؛ زیرا در قرآن است و نزلنا علیک الكتاب تبیانا لكل شیء.» (نحل/۸۹، به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ص ۲۵۰).

۳ - صفوان بن عیسی می گوید: «امام صادق فرمود: من علم اولین و آخرین را می دانم، می دانم آنچه در صلب پدرها و رحم مادرها است.» (ابن آشوب، ص ۲۵۰).

عظمت علمی امام صادق

در باب عظمت علمی امام صادق علیه السلام شواهد فراوانی وجود دارد و این معنا مورد قبول دانشمندان تشیع و تسنن است. فقها و دانشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی آن حضرت سر تعظیم فرود می آوردند و برتری علمی او را می ستودند.

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد بیدار بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

«ابوحنیفه»، پیشوای مشهور فرقه‌ی حنفی، می‌گفت: من دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. (ذهبی، ج ۱، ص ۱۶۶).

با اشاره به امام صادق علیه‌السلام گفت: دانشمندترین مردم، آگاهترین آنها به اختلاف مردم در فتاوا و مسائل فقهی است. (به نقل از مجلسی، ۱۳۹۵ ه. ق، ج ۴۷، ص ۲۱۷).

«مالک»، پیشوای فرقه‌ی مالکی می‌گفت: مدتی نزد جعفر بن محمد رفت و آمد می‌کردم، او را همواره در یکی از سه حالت دیدم: یا نماز می‌خواند یا روزه بود و یا قرآن تلاوت می‌کرد، و هرگز او را ندیدم که بدون وضو حدیث نقل کند. (ابن حجر العسقلانی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۸۸) در علم و عبادت و پرهیزگاری، برتر از جعفر بن محمد، هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است (حیدر، اسد، ج ۱، ص ۵۳).

(۴)

شیخ «مفید» می‌نویسد: به قدری علوم از آن حضرت نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه‌ی آن همه‌جا پخش شده است و از هیچ یک از افراد خاندان او، به اندازه‌ی او علم و دانش نقل نشده است (الارشاد، ص ۲۷۰).

«ابن حجر هیثمی» می‌نویسد: به قدری علوم از او نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه‌ی آن، همه‌جا پخش شده است و بزرگترین پیشوایان (فقه و حدیث) مانند: یحیی بن سعید، ابن جریح، مالک، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابوحنیفه، شعبه و ایوب سجستانی از او نقل روایت کرده‌اند (السواعق المحرقة، ۱۳۸۵ ه. ق، ص ۲۰۱؛ سیره پیشوایان، ص ۳۵۰).

گفتار نوابغ جهان در رابطه با عظمت علمی امام صادق (علیه السلام)

- منصور دوانیقی می‌گوید: جعفر بن محمد از جمله کسانی است که خدا درباره‌ی او گفته است (ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفیاه من عبادتاه؛ سپس ما کتاب را به دست کسانی رساندیم که از بندگان برگزیده ما بودند.) (الفرقان/۲۲) و در هر اهل‌بیتی محدثی وجود دارد و محدث ما جعفر بن محمد است.

- کمال‌الدین محمد بن طلحه شافعی می‌گوید جعفر بن محمد از بزرگان علما اهل‌بیت است. دارای علوم بی‌حد و عبادات فراوان و صاحب اوراد و زهد آشکار بوده. بیشتر وقت قرآن می‌خواند و در معانی آن تتبع می‌کرد و از دریای معانی قرآن جواهرات زیادی استخراج می‌کرد و از عجایب قرآن نتیجه‌گیری می‌نمود. اوقات خود را طوری تقسیم کرده بود که افکارش و کردارش و طهارت افعال گواهی می‌داد که او از ذریه پیغمبر و فرزند رسالت است.

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

- ابو نعیم می گوید «جعفر بن محمد الامام الناطق ذوالرنام (البحرین: قاری قرآن دلنشین) السابق ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق که اکثر اوقات وی بر عبادت و خضوع مشغول و عزلت و خشوع را مواظب و از طلب ریاست و اجتماع برکنار بود.

جنبش علمی

اختلافات سیاسی بین امویان و عباسیان و تقسیم شدن اسلام به فرقه‌های مختلف و ظهور عقاید مادی و نفوذ فلسفه‌ی یونان در کشورهای اسلامی، موجب پیدایش یک نهضت علمی گردید. نهضتی که پایه‌های آن بر حقایق مسلم استوار بود. چنین نهضتی لازم بود، تا هم حقایق دینی را از میان خرافات و موهومات و احادیث جعلی بیرون کشد و هم در برابر زندیق‌ها و مادی‌ها با نیروی منطقی و قدرت استدلال مقاومت کند و آراء سست آنها را، محکوم سازد. به وجود آمدن چنین نهضت علمی در محیط آشفته و تاریک آن عصر، کار هر کسی نبود، فقط کسی

(۵)

شایسته‌ی این مقام بزرگ بود که مأموریت الهی داشته باشد و از جانب خداوند پشتیبانی شود، تا بتواند به نیروی الهام و پاکی نفس و تقوا وجود خود را به مبدأ غیب ارتباط دهد، حقایق علمی را از دریای بیکران علم الهی بدست آورد، و در دسترس استفاده‌ی گوهر شناسان حقیقت قرار دهد.

تنها وجود گرامی حضرت صادق (ع) می‌توانست چنین مقامی داشته باشد.

زمان امام صادق (ع) در حقیقت عصر طلایی دانش و ترویج احکام و تربیت شاگردانی بود

امام صادق (ع) مسائل فقهی و علمی و کلامی را که پراکنده بود به صورت منظم درآورد، و در هر رشته از علوم و فنون شاگردان زیادی تربیت فرمود. (احمدی بیرجندی، ۱۳۸۶)

تجمع متفکرین اسلامی جهان در مدینه

از اوایل زمان سلطنت بنی‌عباس تحصیل و تدریس علوم گوناگون مخصوصاً علم فقه در میان مسلمین رواج یافت. سلاطین عباسی به علت این که خود را حامی اسلام معرفی می‌نمودند برای استحکام بخشیدن به قدرت و پایه‌های ظلم و فساد خویش از این جنبش علمی استقبال شایانی کردند.

مدینه منوره نیز بعد از رسول‌الله مقرر اصحاب و مرکز علوم اسلامی بود و مردم (متفکرین و علما) در مسایل اسلامی از تمام کشورهای مسلمان به شهر مدینه روی می‌آوردند؛ زیرا این شهر از زمان هجرت

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرکز علم و محل اقامت اصحاب و تابعین بود و در آن انقلاب‌های پی‌درپی بروز می‌نمود.

عناصر رستگاری جنبش

پیش از آن که در روش‌های عملی امام (ع) سخن بگوئیم می‌خواهیم علل پیروزی و نجات جنبش او را بشناسیم و شرایطی را که در عصر او پا گرفته بود بدانیم. جنبش امام (ع) در برنامه‌ریزی و هدف نهائی بر دو حقیقت که اینک شرح می‌دهیم استوار بود: نخست: بنیاد افکندن پایگاه‌های مردمی و تمرکز دادن بنای داخلی آن و نظارت در حدود رابطه‌ی مخصوص ایشان و پیروان او چندان که بتواند آن را پایگاه مرکزی قرار دهد و از خلال آن، پایگاه مزبور را تا داخل صفوف امت ادامه بخشد و آن را در پیرامون آن و در آن زمینه انتشار دهد و به عنوان تحقق بخشیدن به بزرگ‌ترین هدف که امام (ع) به ظاهر آن عمل می‌کرد، در مجرای افکار تأثیر بگذارد (مجله ی نجف، به نقل از عدنان البكاء). دوم: به دست آوردن اطمینان و اعتماد امت به جنبش او (ع) «پس دعوت - هر دعوتی که باشد - تا وقتی طرفدار نیازها و خواسته‌های توده‌ی مردم نباشد و آرزوهای آنان را بیان نکند لامحاله گذرگاه آن شکست است».

(۶)

اگر دعوت، تعبیری از آرزوها و امیدهای ملت نباشد بی‌تردید به شکست منتهی می‌گردد.

از طرف دیگر، در پی دعوتی رفتن، هر چند هدف بزرگ و والائی باشد، راهی به توفیق ندارد مگر این که از سوی مردم پشتیبانی شود و معلوم آید که مردم در پی آنند و پیروزش می‌گردانند.

بر اساس این دو حقیقت، امام (ع) به دو شکل فعالیت مبادرت فرمود:

اول: فعالیت‌های جنبشی. و منظور ما از آن، رابطه‌های هماهنگ با قوای امت - قوای خارجی - است و این معنی در دو زمینه قابل عمل بود.

الف: توجیه کردن عواطف امت با برنامه‌ی اهل بیت.

ب: کوشیدن به این منظور که به ملت، قدرت معنوی داده شود تا از نظر آگاهی به سطحی برسد که هدف اسلام ایجاب می‌کند.

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

دوم: کارهای زیربنائی که شامل پایگاه‌های مردمی و گوناگون و آگاه بود که مسئولیت‌های آن پایگاهها را بر عهده گیرد و با امام در زمینه‌های نظارت و عمل منظم و اجراء رابطه داشته باشد. «بر این پایه، برخی از نصوص مروی از امام (ع) در باب تعلیم و آموزش روش‌های خود برای مردمی که امام بر آنها نظارت داشت عملی می‌گردد. روش‌های مزبور نسبت به وضع شیعیان و مشکلاتی که با آن روبرو بودند و اوضاع اجتماعی‌شان را محدود می‌کرد، گوناگون بود».

از این روی نمی‌توان کارهای امام را از امور جنبشی و زیربنائی یا سازماندهی او در داخل پایگاه‌های مردمی یا گروه‌هایی که با او ارتباط داشتند جدا کرد. (ادیب، ۱۳۶۱)

زمینه های مناسب برای تشکیلات و سازماندهی مکتب جعفری

-زمان طولانی امامت امام صادق علیه السلام که ۳۵ سال بود و این فرصتی کافی برای طرح یک برنامه در مکتب تربیتی و تعلیم آن بود که برای ائمه قبل از امام صادق نه این فرصت و نه این زمان و نه این شرایط دست داد.

-نهضت فکری و جنبش علمی و حرکت میلی به علم و دانش بود که از طرف ملل مغلوبه و ممالک مفتوحه و کشورهای مجاور این فکر خود به خود ناگزیر به وجود آمد که باید با داشتن کشور پهناوری علم و فرهنگ پهناوری داشت.

-کشمکش های دامنه دار طرفداران اموی و عباسی بود که تحول سیاسی را به دست آن ها سپرد و خود به

(۷)

کار ثبت علم و پرورش پرداخت و آن ها در یک صف با هم به جنگ و جدال و مناقشه و مبارزه مشغول بودند. آرامش و آسایش برای امام صادق روی داد و در این مدت به بیان حقایق علمی پرداخت و علومی که در اسلام سابقه نداشت و قبل از اسلام هم این شرایط جامعیت را با این فواید و نتایج مطلوبه نداشت تدریس فرمود و همه ضبط شد و نقل شد و دست به دست تا شرق و غرب حدود و ثغور آن روز اسلام رفت و بعد هم ممالک دیگر گرفتند و سرمایه ی تمدن و ترقی خود قرار دادند.

چرا امام جعفر صادق مکتب جعفری را گشود؟

اسلام که تحت سیطره قرآن در ۲۳ سال تعلیم شد و شخص رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تمام آن آیات را با علل و احکام به مسلمین تعلیم فرموده و خود را مدینه علم و علی را باب آن معرفی کرد تا مشکلات بعدی هم به وسیله ائمه معصومین که اسامی آنها در لوح محفوظ بود بر مردم عرضه شود و تا

بمایش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد بزرگ بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

آخرین حکم که ابلاغ ولایت و خلافت و وصایت علی بن ابیطالب علیه السلام بود در غدیر خم در حضور ۸۰ تا ۱۸۰ هزار نفر به مردم رسانید و ۸۱ روز بعد هم از جهان رحلت کرد.

جاه طلبان خط سیر مسلمین را به جعل چند حدیث و ایجاد سقیفه عوض کرده و انحرافی در راه آنها به وجود آوردند که این اولین اختلاف مسلمین شد پس از آن درباره مستحقین و مودیان خمس و زکوٰه تردید و اختلاف کردند فیء و صدقات و خمس را به صاحبانش ندادند این دومین اختلاف بود سپس در ۲۶ مورد دیگر از اصول و فروع که بارزترین آنها عدل و معاد و امامت در اصول بود که دومی گفت متعتان محللتان فی زمن رسول الله و انا احرمهما و اعاقب علیهما پیش آمد و اسباب شد اختلاف گردید تا کم کم بحث روی جبر و اختیار و قضا و قدر و مراتب توحید پیش آمد و شبهاتی القاء گردید و به طور کلی رفع نشد زیرا به اهل علم و راسخین فی العلم و کسانی که از مدینه علم نبوت سیراب بودند فرصت نمی دادند که به نشر افکار و هدایت اندیشه و پرورش صحیح فکر پردازد و حقایق را تعلیم کند با آنکه مکرر منادی سلونی قبل ان تفقدونی خود را مهیای پرسش می کرد مشکلات جنگ و زندگی مردم را منحرف ساخته بود چون دوره خلافت به امام حسن مجتبی علیه السلام رسید و میدان دست بنی امیه افتاد که دیگر رنگ خلافت اسلامی به کلی مبدل به رنگ سلطنت عرب اموی طبق آئین قیصره روم گردید تا پس از معاویه صحبت از مهدویت محمد حنفیه و کیسانیه و جبریه و مفوضه و صوفیه پیدا شد روزافزون عقاید در میان خوارج شدت یافت اولین امارت شیعه به دست مختار بن ابی عبیده ثقفی و پس از آن عقیده به خلق قرآن و راه یافتن فلسفه یونانی و رومی و هندی و ایرانی در اسلام کار را بر مردم دشوار کرد و میدان افکار وسیع نمود و هر دسته برای خود عقیده ای پیش گرفته تا باب رأی و قیاس گشوده شد و ایجاد فرق و ملل و نجل موجب تشتت آراء و تزلزل افکار و عقیده مسلمین گردید و همه این جهات و صدها جهت دیگر که در ضمن بیان مطالب

(۸)

مکشوف خواهد شد حضرت امام جعفر بن محمد الصادق (ع) را بر آن داشت که به این مباحث سخیف و سست پایه خاتمه داده و اصول علم و فضیلت را در سایه قرآن تعلیم فرماید.

اساس مکتب جعفری

اساس مکتب جعفری را می توان با این چهار رکن خلاصه و معرفی کرد که حقیقت فلسفه و علم و فضیلت را تشکیل می دهد:

اول - معرفت حقایق موجودات که تعریف فلسفه است.

بمایش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد بیدار بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

دوم - اعتقاد و آراء صحیح و رأی صائب و فکر ثاقب که نتیجه فلسفه است.

سوم - تحلی به اخلاق جمیله و سجایای فاضله است که از آن به حکمت عملی تعبیر شده.

چهارم - افعال و اعمال زکیه و مهذب است که مولود آن عمل و فلسفه و دانش باشد و این اساس را امام ششم از قرآن مجید استنتاج و استفاده فرموده مبانی جعفری را برای معرفت به حقایق و عقیده درست و فکر مستقیم و اخلاق فاضله و اعمال زکیه گشود چنانچه قرآن می فرماید:

سنرهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید.

لاکراه فی الدین قد تبین الرشید من الغی

چرا به مذهب جعفری شهرت گرفت؟

دین و مذهب اسلام یکی است و ائمه معصومین هم یک راه رفته اند و برای یک هدف تلاش نموده اند با این حال چرا اختصاص به مذهب جعفری شد؟! با یک مقدمه کوتاه بیان می شود:

ابونعیم اصفهانی که در قرن پنجم می زیسته درباره امام صادق علیه السلام می نویسد:

الامام الناطق ذوالزمام السابق

ابوعبدالله جعفر بن محمد الصادق این لقبی که این مرد دانشمند داده نماینده یک سلسله معانی است قابل توجه که می توان از آن استفاده کرد امام صادق علیه السلام به نام مؤسس مذهبی شناخته شده در حالی که مذهب امامیه همان مذهب اسلام است که همه ائمه دوازده گانه در راه اعلاء کلمه آن سعی بلیغ نموده اند - اول و آخر آنها همه در نشر دین بذل همت کرده و جانفشانی و فداکاری نشان داده اند.

(۹)

ابن حافظ می گوید: امام صادق علیه السلام در سه صفت مبرز بود و سه خصوصیت کامل داشت که دیگری فاقد آن است.

۱- الصادق این یکی از القابی است که شهرت امام ششم بدان است و اسم نماینده مسمی است و در آن تردیدی نیست.

بمایش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد بیدارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

۲- الناطق که این صفت از مختصات امام است و کمتر کسی می تواند نطق و ناطق به معنی اخص باشد - این صفت بین همه ائمه به امام ششم اختصاص یافته زیرا مکتب جعفری مبتنی بر این پایه است و اسباب نطق و خطابه برای او فراهم شد - این میراثی بوده از جدش امیرالمؤمنین علیه السلام که به او رسید و از بارزترین صفات انسانی است که خداوند به این حجت خود عنایت فرموده.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در علوم سرآمد دانشمندان بشری است در افق علم و دانش کسی را نمی توان برتر و بالاتر از علی علیه السلام شناخت .

سینه ی علی مخزن علم الهی بود و از او به سبطین رسید از او دست به دست با امام جعفر صادق علیه السلام منتقل شد و از علم او بود که دنیا به دانش و بینش رسید.

انتشار مذهب جعفری در جهان

شکی نیست که مکتب جعفری صد درصد همان مذهب حقیقی اسلام است که از پیغمبر (ص) به امیر المومنین (ع) و از او به امام حسن و امام حسین و از او به امام سجاد و امام محمد باقر رسید. و در عصر حضرت صادق انبساط کامل پیدا کرد و به نام مذهب جعفری شهرت یافت و مذهب جعفری همچنان در عالم از حجاز، شام، آفریقا، مصر، هند، قطر، افغان، آمریکا، چین، روسیه، عراق، ایران، ترکیه و ... از گذشته ی ایام همچنان ادامه دارد و شرح آن در کتاب جهان اسلام و اسلام در جهان آمده است. که چگونه اسلام به این کشورها وارد شد و تطورات تاریخی و تحولات گوناگونی پیدا کرد و شواهد زنده ی آن چگونه و در چه شرایطی است.

دانشگاه بزرگ جعفری

امام صادق علیه السلام با توجه به فرصت مناسب سیاسی که بوجود آمده بود، و با ملاحظه نیاز شدید جامعه و آمادگی زمینه ی اجتماعی، دنباله ی نهضت علمی و فرهنگی پدرش امام باقر علیه السلام را گرفت و حوزه ی وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به وجود آورد و در رشته های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز، شاگردان بزرگ و برجسته ای همچون: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، مفضل بن عمر، جابر بن حیان و... تربیت کرد که تعداد آنها را بالغ بر چهار هزار نفر نوشته اند.

(۱۰)

(شیخ مفید، ج ۱، ص ۶۹) .

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد بیدار بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

هر یک از این شاگردان شخصیت‌های بزرگ علمی و چهره‌های درخشانی بودند که خدمات بزرگی انجام دادند. گروهی از آنان دارای آثار علمی و شاگردان متعددی بودند. به عنوان نمونه «هشام بن حکم» سی و یک جلد کتاب (صفایی، ۱۳۵۹ ه. ش، ص ۱۹؛ نیشابوری ۱۴۰۶ ه. ق، ص ۳۲۹؛ طبرسی، ص ۲۸۴) نوشته و «جابر بن حیان» نیز بیش از دویست جلد کتاب (ابن ندیم، ص ۵۱۲) در زمینه‌ی علوم گوناگون بخصوص رشته‌های عقلی و طبیعی و شیمی (که آن روز کیمیا نامیده می‌شد) تصنیف کرده بود که به همین خاطر، به عنوان پدر علم شیمی مشهور شده است. کتابهای جابر بن حیان به زبانهای گوناگون اروپایی در قرون وسطی ترجمه گردید و نویسندگان تاریخ علوم همگی از او به عظمت یاد می‌کنند.

اولین دانشگاه اسلامی در قرن دوم

از اوایل قرن دوم هجری در مدینه طیبه یک مکتبی گشایش یافت که تعلیم و تربیت به هم مقرون و چون دارای فنون مختلفه و به سبک کلاسیکی بود باید آن را اولین دانشگاه اسلامی نامید.

ما در جای خود گفته‌ایم که در اسلام مدرسه و مسجد از هم تفکیک نبوده و علم و دین به هم آمیخته و تلفیق یافته غیر قابل انفکاک و تجزیه بود. امام جعفر صادق علیه‌السلام دنباله کار پدر را گرفت و در تعاقب بیست سال مکتب باقری سی و پنج سال مکتب جعفری را گشود.

مدرسه جعفری یک مخزن و منبع علمی و یک کانون ثروت و مکنت دانش و بینش بود که افراد بزرگ و دانشمندان سترک و کثیری را به سوی خود جلب کرد.

دانشگاه امام صادق پایگاه حقیقی اسلام

دانشگاه امام جعفر صادق علیه‌السلام که پایگاه حقیقی اسلام بود که سبب شد حضرت در جهان به نام رییس مذهب شیعه (یعنی مذهب آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم) شناخته شود در آن عصر پرآشوب مبارزه امام جعفر صادق علیه‌السلام با تأسیس مکتب و تشکیل حوزه تدریس و تعلیم شاگردان در ردیف قیام عاشورای حسینی به شمار می‌آمد؛ زیرا که حضرت در رشته‌های گوناگون افکار عمومی را بیدار کرد و در نتیجه بینش و رهبری او بود که مغزهای متفکر در اثر علم و دانش وی به سوی خاندان امامت رغبت وافر پیدا نمودند و علم جعفری الهام از علم ربوبیت و اسرار الهی است.

شیعیان بر این عقیده هستند که هر امامی دارای تمام علوم است و در مورد امام جعفر صادق علیه‌السلام نیز صدق می‌کند، چنان که می‌گویند او با لغات مختلف جهان آشنا بوده است.



وسعت دانشگاه امام صادق

امام صادق علیه السلام با تمام جریانهای فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرد و موضع اسلام و تشیع را در برابر آنها روشن ساخته برتری بیش اسلام را ثابت نمود.

شاگردان دانشگاه امام صادق علیه السلام منحصر به شیعیان نبود، بلکه از پیروان خلفاء نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می شدند. پیشوایان مشهور اهل سنت، بلاواسطه یا باواسطه، شاگرد امام بوده اند.

در رأس پیشوایان، «ابوحنیفه» قرار دارد که دو سال شاگرد امام بوده است و می گوید: «لولا السنتان لهلك نعمان»؛ اگر آن دو سال نبود، «نعمان» هلاک می شد. (حیدر، اسد، ج ۱، ص ۷۰).

شاگردان امام از نقاط مختلف همچون کوفه، بصره، واسط، حجاز و امثال اینها و نیز از قبائل گوناگون مانند: بنی اسد، مخارق، طی، سلیم، غطفان، ازد، خزاعه، خثعم، مخزوم، بنی ضیه، قریش بویژه بنی حارث بن عبدالمطلب و بنی الحسن بودند که به مکتب آن حضرت می پیوستند (حیدر، اسد، ص ۳۸).

در وسعت دانشگاه امام همین قدر بس که «حسن بن علی بن زیاد و شاء» که از شاگردان امام رضا علیه السلام و از محدثان بزرگ بوده (و طبعاً سالها پس از امام صادق علیه السلام زندگی می کرده)، می گفت: در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می کردند. (نجاشی، ص ۳۹).

به گفته ی «ابن حجر عسقلانی» فقها و محدثانی همچون: شعبه، سفیان، ثوری، سفیان بن عیینه، مالک، ابن جریح، ابوحنیفه، پسر وی موسی، وهیب بن خالد، قطان، ابوعاصم، و گروه انبوه دیگر، از آن حضرت حدیث نقل کرده اند. (تهذیب التهذیب، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۸۸).

«یافعی» می نویسد: او سخنان نفیسی در علم توحید و رشته های دیگر دارد. شاگرد او، «جابر بن حیان»، کتابی شامل هزار ورق که پانصد رساله را دربر داشت، تألیف کرد. (مرآة الجنان، بیروت، ج ۲، ص ۳۰۴).

امام صادق علیه السلام هر یک از شاگردان خود را در رشته ای که با ذوق و قریحه ی او سازگار بود، تشویق و تعلیم می نمود و در نتیجه، هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند: حدیث، تفسیر، علم کلام، و امثال اینها تخصص پیدا می کردند. سیره پیشوایان، ص ۳۵۶. (مظاهری، ۱۳۸۵).

کلاس اول یا مرحله نخستین مدرسه جعفری

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام برای رساندن معانی از حروف و الفاظ و کلمات شروع فرمود چه این کلمات نماینده معانی است و حروف و الفاظ واسطه انتقال احساسات و ادراکات است. آموزنده

(۱۲)

مدرسه جعفری از حروف و کلمات شروع کرد تا معانی و احساسات را به مردم تعلیم دهد و این آغاز ادب و آداب و ادبیات است.

از طرف دیگر در مرحله و کلاس بالاتر از اعداد شروع کرد تا حاصل جمع و تفریق و ضرب و تقسیم و جذر و کعب و جبر و مثلثات را بیاموزد و آن را مقدمه ریاضیات قرار داد و علوم ریاضی و فلکی را به مسلمین آموخت.

از جانب دیگر در مرحله و کلاس رشته دیگر اعداد و حروف را با هم به مقایسه و مقابله قرار داده تبدیل عدد به حروف و تبدیل حروف به اعداد و تعیین جداول و اعمال اصلی حساب و جبر را آموخت تا از علوم غریبه و رمل و جفر و طلسمات و اوفاق و اقسام حروف «که در جلد دوم گفتیم» تعلیم فرموده و علوم مختلفه غریبه ریاضی را تعلیم فرمود.

و با این مقدمات ابتدائی در کشف علوم طبیعی و طب از راه گیاهشناسی و جانورشناسی پرداخت و در فلزات و اجسام و عناصر راهنمایی فرموده و امکان تبدیل جسم به نیرو را و فلز به فلز دیگری را آموخت و همه علوم را بدین روش تعلیم فرموده است.

طریقه تدریس امام صادق

در مسجد پس از نماز امام علیه السلام رو به مردم می کرد و با حلقه درس طوری بود که صدر و ذیل نداشت و امام علیه السلام احتیاجات روز مردم را که یک می پرسیدند به آنها می آموخت و می فرمود بپرسید هرچه می خواهید هر فردی از افراد به مقتضای نیاز روحی و معنوی خود یا بر حسب احتیاجات محیط و زندگی و احکام دین مسائلی می پرسید و امام علیه السلام به او پاسخ می داد و سایرین هم می شنیدند و لذا علوم مکتب جعفری سبک کلاسی نداشت که هر یک از شاگردان مخصوص ریاضی - طبیعی - کلامی انحصاراً آن بحث را نقل کنند بلکه یک سؤال که می شد همه اصحاب آن را به صورت روایت نقل می کردند نهایت هر کس ذوق و سلیقه اش در هر رشته بیشتر و قوی تر بود و شم ریاضی یا طبیعی یا فقهی و یا فلسفی داشت درباره آن علم مسائل و دقایقی بیشتر می پرسید و روی آن مسائل بحث می کرد.

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

حسی بود و نتیجه تمام آموزش و پرورش امام صادق را مکارم اخلاق بود که سطح تهذیب نفس را بالا می برد و در یک محیطی آرام و مملو از محبت و دوستی و صفا و وفاداری صورت می گرفت.

عمر و بن ابی مقدم می گوید ابو عبدالله (ع) قبل از هر دس ما را به صداقت و راستی و فضیلت می خواند و هر روز قبل از درس مقداری نصیحت به ما می فرمود و به ایمان و اخلاق توصیه می کرد آنگاه شروع به تدریس می فرمود مسائل مطروحه را بیان و تشریح می کرد.

(۱۳)

شاگردان دیگر نقل کرده اند که امام صادق علیه السلام قبل از درس درباره لزوم تحصیل علم و سعادت و کسب فضیلت و تحکیم مبانی ایمان و امانت بسیار تأکید در مکارم اخلاقی و مراقبت کامل در کسب علم و دین می فرمود. (عماد زاده، ۱۳۶۲، ج ۲)

شاگردان امام صادق

- ابان بن ثعلب اهل کوفه و شخص جلیل القدری بود که در علم قرائت و تفسیر و علم فقه و حدیث و لغت و نحو استادترین کسان زمان خود بود. کتاب تفسیر غرائب القرآن و کتاب فضایل و کتاب احوالات صفین و کتابهای دیگر را نیز تألیف کرده است. به خدمت حضرت امام زین العابدین و حضرت امام باقر و حضرت امام صادق علیه السلام رسیده است و سی هزار حدیث از حضرت صادق علیه السلام حفظ داشت. از جمله سخنان وی این بود که می گفت مقام فضلی هر شخص با پیروی امیرالمؤمنین شناخته می شود.

- ابو حمزه ثمالی نام شریفش ثابت بن دینار می باشد. از بزرگان جلیل القدر و از زهاد و مشایخ کوفه که حضرت رضا علیه السلام در حق او گفت ابو حمزه در زمان خود مانند سلمان فارسی است. خدمت امام چهارم رسید و امام زین العابدین و حضرت امام باقر و حضرت جعفر بن محمد و زمانی از حضرت موسی بن جعفر را درک کرده است. ابو حمزه گاهی به زیارت قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می رسید در کنار قبر حضرت می نشست فقهای شیعه خدمتش می رسیدند و اخذ حدیث می کردند.

- حمران بن اعین از اصحاب خاص حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام است که حمران پیوسته با اصحاب از علوم آل محمد بحث می کرد. پسران حمران حمزه و محمد و عقبه آنها نیز از اهل علم بوده اند.

- زراره بن اعین است که شکوه قدرت علمی وی بیش از آن می باشد که قابل ذکر باشد. خاندان اعین از شریف ترین خاندانهای اهل علم بوده چنانکه اغلب آنها اهل حدیث و فقه و کلام بوده اند.

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد بزرگ بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

- هشام بن محمد بن سائب الکلبي عالم مشهور به فضل عارف نساب و از علمای شیعه مذهب است. می‌گویند به بیماری شدیدی مبتلا گردید به حدی که تمام دانش خود را فراموش کرد به خدمت امام صادق علیه‌السلام مشرف شده پس حضرت کاسه بر وی نوشاند. وقتی که کاسه را نوشیدم و از برکت دعای امام علیه‌السلام تمام دانش خود را بازیافتم. حضرت صادق علیه‌السلام بر وی عنایت خاصی داشتند و او کتابهای بسیار در فنون مختلف جمع‌آوری کرده است پدرش محمد کلبی صاحب تفسیر و از اصحاب بزرگوار حضرت باقر علیه‌السلام است.

- یونس بن ظبیان از بزرگان اصحاب حضرت است. می‌گویند حضرت صادق علیه‌السلام در حق وی دعا

(۱۴)

کرده و گفته است: «رحمه الله» خدا در بهشت برای او خانه‌ی مخصوصی بنا نموده و قسم به پروردگار که او در نقل اخبار مورد اطمینان است. نقل کرده‌اند حضرت صادق علیه‌السلام زیارت حضرت حسین علیه‌السلام به وی تعلیم داد و همچنین دعای معروفی که در نجف خوانده می‌شود و دعای دفع درد چشم را نیز از حضرت تعلیم یافت. اخباری در مذمت وی نقل شده که همه آنها قابل تأویل است.

- محمد بن علی نعمان کوفی معروف به مؤمن طاق و یکی از متکلمین و دانشمندان بزرگوار می‌باشد که چند کتاب در فنون مختلف جمع‌آوری کرده است. مناظرات متعددی با علمای مذاهب مختلف انجام داده مخصوصاً چندین بار با ابوحنیفه مناظره کرده و او را مغلوب نموده است. در معارف الهی به بحر موج و در فقه و کلام و حدیث و شعر ماهر بود و در حاضر جوابی نظیری نداشت. از سوارکاران پیشرو علم کلام و از جمله رزمندگانی است که در ترویج مذهب شیعه بی‌نظیر بود و در نشر حقیقت اهل سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سایر اهداف مقدس به قدری قوی دل بود که بر حکومت جابر زمان هرگز خاضع نشد و در مقابل آن اذیت‌ها و شکنجه‌های بسیار متحمل گشت. (عماد زاده، ۱۳۶۲، ج ۱)

تعداد دانشجویان مدرسه جعفری

چنانچه اجمالاً اشاره شد از میان چهار هزار شاگرد مدرسه جعفری در مدینه چهارصد نفر به اجازه استاد و رهبر خود شروع به تألیف کتاب درباره فنی که آموخته بودند نمودند که از آنها به اصول اربعمائه تعبیر شده یعنی چهارصد اصل در علوم و فنون تألیف کردند - و اول کسی که در این رشته کتاب تدوین نموده حافظ ابوالعباس بن عقده می‌باشد

بمایش علی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

متأسفانه این کتاب در دسترس نیست و از جمله کتبی است که مانند سایر ذخایر ما به غرب برده‌اند ولی تا قبل از نهضت علمی ملل غربی مورد استفاده بوده و از آن نقل کرده‌اند و اکنون ما بیش از ۱۶۰ کتاب اصل از آن کتب اربعه را در شماره می‌شناسیم و کسانی که این خبر را نقل کرده‌اند می‌نگاریم.

شیخ مفید در ارشاد: ان اصحاب الحدیث قد جمعوا الرواة عن الصادق علی اختلافهم فی الآراء والمقالات فکانوا اربعة آلاف. (ارشاد مفید).

اصحاب حدیث روات امام صادق علیه السلام را با اختلاف عقاید علمی و آراء مختلف جمع نموده‌اند بالغ بر چهار هزار نفر می‌شده‌اند.

شیخ محمد بن علی الفتال: (حدیث ابن فتال).

ارباب حدیث اسماء روات ثقه را جمع‌آوری کرده‌اند چهار هزار نفر بوده‌اند.

سید علی بن عبدالحمید النیلی: و مما اشتهر بین العامة والخاصه ان اصحاب الحدیث جمعوا اسماء الروات

(۱۵)

عنه فکانوا اربعة آلاف (سید علی، به نقل الامام الصادق و المذاهب اربعة، ص ۵۸).

آنچه که بین عامه و خاصه مشهور است این است که اصحاب حدیث اسامی روات امام صادق را جمع‌آوری کرده‌اند چهار هزار نفر می‌شدند.

شیخ طبرسی:

و قال فی القسم الثالث و روی عن الصادق من اهل العلم اربعة آلاف انسان. (اعلام الوردی).

تاکنون گفته نشد احدی این اندازه علم و دانش نقل نماید که امام جعفر صادق آموخته است

ابن شهر آشوب: نقل عن الصادق من العلوم مالا ینقل من احد و قد جمع اصحاب الحدیث اسماء الرواة من الثقات علی اختلافهم فی الآراء فکانوا اربعة آلاف. (به نقل از مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲).

ابن شهر آشوب می‌نویسد: آن قدر که از امام صادق علیه السلام علوم و فنون نقل شده و در مکتب جعفری علم و دانش آموخته شده از هیچ کس در هیچ مکتبی نظیر نداشته و اصحاب حدیث اسامی روات موثق و مورد اطمینان را با اختلاف آراء علمی آنها شمرده و ضبط کرده‌اند چهار هزار نفر می‌شدند.

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

محقق کرکی: فانه انتشر عنه من العلوم الجمه ما بهر به العقول و روى عنه جماعه من الرجال ما يقارب اربعه آلاف رجل (معتبر محقق در بیان کلام صادق).

از افاضات امام جعفر صادق علیه السلام علوم بسیاری است که برای رشد عقلی بشر نعمتی گرانبها بوده و بسیاری از رجال علم که بر چهار هزار نفر بالغ می شدند از آن نقل کرده اند.

شهید اول: ان اباعبدالله جعفر بن محمد الصادق كتب من اجوبه مسائله اربعمائه مصنف لاربعمائه مصنف و دون من رجاله المعروفين اربعه آلاف رجل من اهل العراق والشام والحجاز (شهید در ذکری به نقل الامام الصادق المذاهب اربعه، ص ۵۹).

اباعبدالله جعفر بن محمد الصادق پاسخ چهارصد مسئله از چهارصد مصنف را نوشت و چهارصد نفر آن مسائل را مدون و منظم نمودند که به اصول اربعمائه مشهور گردید. (عماد زاده، ۱۳۶۲، ج ۱)

علمی که امام صادق در برنامه مکتب جعفری گذاشت

علمی که امام صادق علیه السلام موضوع بحث قرار داده بود در درجه اول فقه - و تفسیر و الهیات و علل الشرایع

(۱۶)

و احکام و توحید الهی بود و ظهور و بروز این علوم در عمل صالح و تقوی منعکس می شد و اسرار طبیعت و عجایب کون و اطوار مختلف و دسته جات و طبقات نباتات و تطورات و تکامل انواع حیوانات و تحلیل اجسام مادی و ترکیب عنصری آنها و مجاری افلاک و سیارات و ثوابت و غرائب و عجائب عالم وجود و ترکیب انسان و منافع اعضای او و تحولات مزاجی او و آنچه در عالم کون و فساد موجود است همه آنها را نماینده توحید و دلیل حکمت و تدبیر الهی می دانست و روی مبانی وجودی و خواص و آثار و عوامل موجودیت آنها بحث می فرمود.

و علاوه بر علوم فوق شعب علوم ریاضی و طبیعی و الهی را نیز تعلیم می داد چنانچه ابن خلکان گوید:

می گوید جعفر بن محمد صادق بود که علم و دانش را بسط داد فن کیمیا را آموخت علم زجر - فال از او است (ابن خلکان، ص ۱۳۰). (عماد زاده ۱۳۶۲، ج ۱)

امام صادق مفسر علوم آیات الهی

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد بیدارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

کلیه علوم قرآن از امیرالمؤمنین علیه السلام به حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام رسید و به وسیله حضرت به مردم تعلیم داده می شد و تمامی آیات محکم و متشابه و مجمل و مبین و ناسخ و منسوخ و عام و خاص و

مطلق و مقید و غیره از تعلیمات حضرت صادق علیه السلام است.

ابان بن تعلق از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه (هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون انما یتذکر اولوالالباب) روایت می کند که فرمودند: ما اهل بیت پیغمبر یعلمون و دشمنان ما لا یعلمون و شیعیان ما اولوالالباب هستند.

از حضرت صادق علیه السلام درباره معنی آیه (اهدنا الصراط المستقیم) سؤال شد. حضرت فرمود: خدایا ما را هدایت کن به راهی که رساننده است به سوی محبت و دین تو آن راهی که جلوگیری شده باشد از پیروی هوای نفس خود. (میر عظیمی، ۱۳۸۰)

علم فلک یا افلاک

فلک در اصطلاح علمی قرآن مجموعه حرکت منظومه ها را می رساند و در قرآن مجید هر جا فلک آمده این مجموعه بزرگ عالم را که در سیر تسبیح و تهلیل و وحی تکوینی هستند مراد و منظور داشته چنانچه در تفاسیر است و ما هم در این باره بحثی کرده ایم - در هر حال علم فلک یا علم به حرکات ثوابت و سیارات و منظومه های شمسی در اسلام تکامل یافت و مسلمین ابداع و ابتکاراتی نمودند چنانچه ابن طفیل

(۱۷)

فیلسوف اندلسی در داستان حی بن یقظان دلایل صریحی بر کرویت زمین و گردش آن دارد. (این کتاب

یک تمثیل عرفانی و یک تحلیل عقلانی از حرکت تکامل انسانی است).

در علوم فلکی اثر جامع الفرغانی به نام جوامع علم النجوم و الحركات السماویة تا اواخر قرن ۱۵ م در نسخه های عربی و لاتینی منحصر به فرد بوده و مورد استفاده دانشمندان اروپائی قرار گرفته است این دانشمند شرحی عالی و عمیق و منطقی در مورد تأثیر ماه در جزر و مد دریاها نوشته و ابو عبدالله البتانی که در اروپا به عنوان البتانی شهرت دارد مطلع و مغرب خورشید را اندازه گیری دقیق نموده است. (عماد

زاده ۱۳۶۲،

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مکتب‌گشایان بود.

(۱۸)

نتیجه گیری:

وقتی اخبار صادره مکتب جعفری را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم امام ششم علیه‌السلام در برنامه مدرسه‌ای که گشود و شخصیت علمی خود را به ثبوت رسانید و به سبکی تدریس نمود که تمام علمای بزرگ آن عصر در هر کجای دنیا بودند به محضر او می‌شتافتند و از مدرس او بهره‌مند می‌شد و در پیشگاه دانشگاه او سر تعظیم و توقیر فرود می‌آوردند مردی بدین عظمت کمتر دیده شده مثلاً یک دسته از علماء روش پرورش خود را برای خردسالان قرار داده و برخی برای سالخوردگان گروهی برای زنان - جمعی برای مردان و یک جمعی در تربیت نوکر و کلفت یا بازاری و عامی و دسته مخصوص مبتدیان و طبقه‌ی مدرس منتهیان

بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

و کاملان هستند ولی امام صادق سبکی در درس داشت که تمام طبقات مختلف از عالم و عامی - خورد و کلان - زن و مرد - ضعیف و شریف - سیاه و سفید - خواجه و بنده در نظر او یکسان بودند و در خور فهم آنها همه را به علوم واجب آشنا می‌ساخت و در خور فهم آنها تعلیم می‌کرد - زهاد و عباد و پرهیزکاران و درویشان و بینوایان را هم علاوه بر اکرام و اطعام و انعام دانش و بینش می‌آموخت. به طوری که یکی از بزرگان مؤلفین می‌نویسد باید لقب بزرگترین انسان به امام ششم داد زیرا در سایه انسانیت تمام طبقات را به فضیلت علمی آن حضرت در تفوق علمی خود و برتری اخلاقی و مکارم نفسانی عالیه خویش و معاشرت و مباشرت با مردم مثل اعلائی ادب و فضیلت را نشان داد و همه جا علم را با عمل و اخلاق را با ادب و سخاوت را با کرامت به هم آمیخته به مردم یاد می‌داد و این شیوه مخصوص شخص خود او بود به امید روزی که ذره ای از زحمات استاد خویش، امام صادق علیه السلام جبران شود.

(۱۹)

منابع و مآخذ:

قرآن

۱. احمدی بیرجندی، احمد، (۱۳۸۶)، چهارده اختر تابناک، انتشارات آستان قدس رضوی



۲. ادیب، عادل، (دهه فجر ۱۳۶۱)، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، مبشری، نشر فرهنگ اسلامی
۳. عماد زاده، حسین، (۱۳۶۲)، زندگانی معلم کبیر، گنجینه، محمد
۴. علوی، سید محمد، (بهار ۱۳۸۸)، زندگانی چهارده معصوم، انتشارات نغمات، نهضت
۵. میر عظیمی، سید جواد، (شهریور ۱۳۸۰)، زندگانی امام حضرت جعفر صادق (ع)، مجمع متوسلین به آل محمد (ص)، علمیه قم
۶. مظاهری، حسین، (دی ۱۳۸۵)، زندگانی چهارده معصوم، پیام آزادی، پیام حق
۷. منصوری، خلیل، امام صادق و اولویت های جهاد فرهنگی، ماهنامه کوثر، شماره ۴۰
۸. مولوی نیا، محمد جواد، (زمستان ۱۳۸۵)، تاریخ چهارده معصوم، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، مهر